

info@xalvat.com

در عظیم خلوت من

به سراغ من اگر میایید / نرم و آهسته بیایید / مبادا که ترک بردارد / چینی نازک تنهایی من

سهراب سپهری

روزنامه ها

http://xalvat.com




## از نگاه دیگران

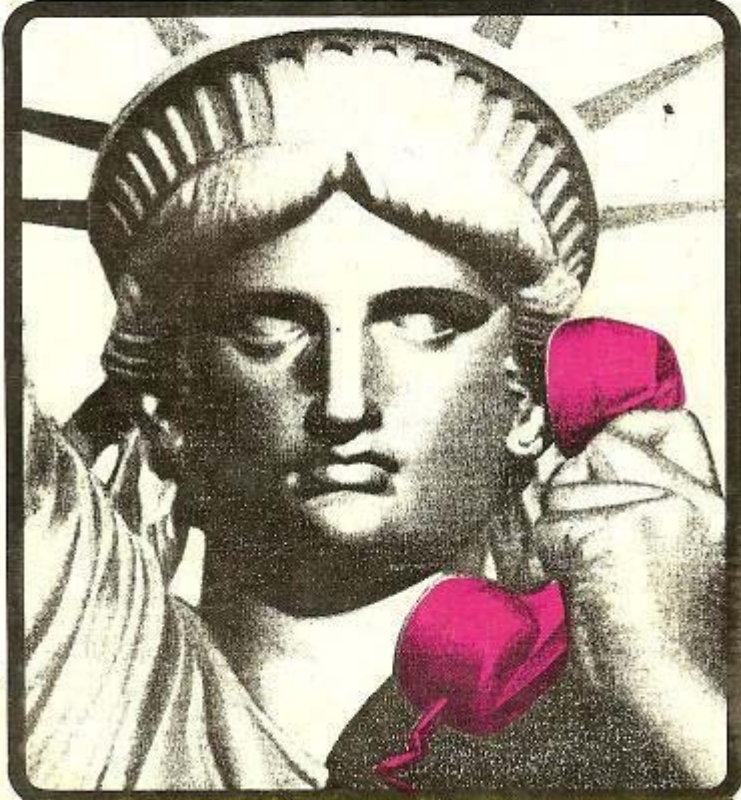


### اسماعیل پوروالی : نفت شمال

آزادی سرودمند آن باشد و بس  
گرونی نبرد زبان به آزادی گوی  
افسر

 **روزگار**

xalvat.com دفتر یازدهم (سال پنجم) آذرماه ۱۳۶۵



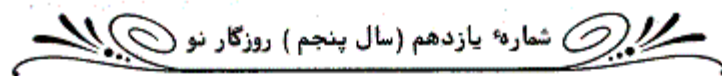
**آنجا که گوشه دست "آزادی" است.**



## از نگاه دیگران



## اسماعیل پوروالی : نفت شمال



صفحه	نویسنده	عنوان
۲	روزگار نو	یلدا و پیامدهای آن
۳	اسماعیل پوروالی	در سرزمین شیطان بزرگ ...
۷		ماجرای دو جناحی که در ایران بجان هم افتاده اند .
۱۲	ص . ن .	نامه گزارش مانندی از تهران
۱۴		و در حاشیه ...
۱۵	xalvat.com	فیلمی از فعالیت‌های پنهانی ...
۲۰		آمریکا و مسئله " ایران‌گیت "
۲۴		در لابلای رویدادها
۳۰		شنیدنی‌ها ، دیدنی‌ها ، خواندنی‌ها
۳۳	جعفر راشد	تاوان تعصب نژادی و مذهبی در عراق
۴۰	دکتر علیرضا نوری زاده	نامحرمی که راز آیت‌الله را عالمگیر کرد .
۵۰	گل آقا	باز هم گلی به جمال گل آقا
۵۴	سردبیر	پرونده نفت شمال ...
۶۴	دکتر امیر آرام	آنکس که نخواهد که بداند ...
۶۸		آزادی از زبان سید جمال
۷۱		ابونضال : نقل قولی از صلاح خلف
۷۸	صغیر اصفهانی	آتش دوزخ
۷۹		افسانه نو و منتظران ، از برشت ، ترجمه محمد عاصمی
۸۱	حسین امید	ماجرای اولین حزب کمونیست ایران
۸۶	م . نگاهی	یک توضیح ... و یک تاهل
۸۷	پامشاد	قصه پرعصه من و ایران من
		در یک چهارچوب مشخص ،
۹۱	س . شهرزاد	همه چیز دستخوش تحول است .



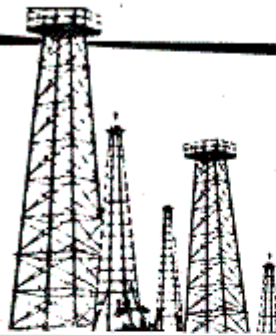
## از نگاه دیگران



### اسماعیل پوروالی : نفت شمال

#### پرونده نفت شمال

مسئله‌ای که ممکن است آقازاده را آقاوف بکند!



xalvat.com



غلامرضا آقازاده

در اوایل شهریور ماه، وقتی غلامرضا آقازاده وزیر نفت جمهوری اسلامی از مسافرت سه روزه خود از شوروی مراجعت کرد علاوه بر این خبر که دولت شوروی حاضر شده است روزی صد هزار بشکه از نفتی که به اروپای غربی می‌فرستد کم کند تا بهای نفت در بازارهای جهانی، به علت پائین آمدن میزان عرضه، رو به افزایش بگذارد، دو سه به اصطلاح مژده دیگر نیز داشت بدین خلاصه که: بر اثر مذاکراتی که با شوروی‌ها در زمینه صادرات گاز ایران و نیز استخراج نفت و گاز دریای خزر داشته است، با آنها یادداشت‌های تفاهمی امضاء کرده است. آقازاده گفت: از آنجا که ما برای صادرات گاز اولویت را به کشورهای همسایه داده‌ایم، در این سفر نیز به دولت شوروی



## از نگاه دیگران



### اسماعیل پوروالی : نفت شمال

اطلاع دادیم که آماده‌ایم از دسامبر ۱۹۸۶ تا مارس ۱۹۸۷ روزانه سه میلیون متر مکعب، از مارس ۱۹۸۷ تا فوریه ۱۹۸۸ روزانه ده میلیون متر مکعب و از مارس ۱۹۸۸ تا فوریه ۱۹۹۰ روزانه ۴۰ تا ۵۰ میلیون متر مکعب و از مارس ۱۹۹۰ بعد روزانه ۹۰ میلیون متر مکعب گاز در اختیار اتحاد جماهیر شوروی بگذاریم، و در تفاهم‌نامه‌ای که امضاء شده، شوروی‌ها متعهد گردیده‌اند ظرف مدت سه ماه، در این زمینه به ما جواب قطعی بدهند. وزیر نفت جمهوری اسلامی درباره استخراج نفت و گاز از آب‌های جنوبی دریای خزر نیز اظهار داشت که: هرچند ما طرح اکتشاف و استخراج نفت این منطقه را به یک مناقصه بین‌المللی گذارده بودیم و سیزده کشور هم در آن شرکت کرده بودند اما، مآلاً، اولویت را به همسایه شمالی خود دادیم. برای اینکه دولت شوروی دارای سابقه‌ای طولانی در بهره‌برداری از نفت دریای خزر است و امکانات شوروی در شمال دریای خزر، بخصوص از جهت دستگاه‌های حفاری، می‌تواند در جنوب دریای خزر نیز مورد بهره‌برداری قرار بگیرد. ما در این زمینه هم یادداشت تقاضای شوروی‌ها امضاء کردیم و قرار شد آنها مطالعات لازم را بعمل بیاورند و به ما خبر بدهند.

مسئله علاقه همسایه شمالی ایران به نفت شمال، مسئله تازه‌ای نیست و به هفتاد سال پیش برمی‌گردد، به سال ۱۹۱۶ (قبل از انقلاب اکتبر)، که یکی از اتباع دولت تزاری روس به نام خوشتاریا، در گیرودار جنگ جهانی اول که نیروهای روسیه تزاری شمال ایران را در اشغال خود داشت، امتیاز استخراج نفت و گاز مناطق گیلان و مازندران و استرآباد را از دولت وقت که وزیر خارجه‌اش وثوق‌الدوله بود، گرفت. این امتیاز نه فقط کمی بعد در کابینه مصمص‌السلطنه، به این دلیل که اخذ آن در شرایطی غیرعادی صورت گرفته و جنبه تحمیلی داشته است، لغو شد بلکه دولت نوپای شوروی نیز که بر همه امتیازات غیرمشروع رژیم تزاری، در ایران، خط بطلان کشیده بود، خواه ناخواه امتیاز خوشتاریا را نیز کان لم یکن می‌شناخت. با اینحال خوشتاریا این امتیاز لغوشده را، بعد از جنگ، به یکصد هزار لیره نقد به شرکت نفت جنوب فروخت و انگلیسی‌ها که بعد از انقلاب شوروی، در پهنه ایران در برابر خود رقیبی نمی‌دیدند، درصدد برآمدند که این امتیاز مرده را با دست عواملی که در ایران داشتند زنده کنند و بدین منظور شرکتی به نام "شرکت نفت شمال ایران" که تابع شرکت نفت جنوب بود، با سه میلیون لیره سرمایه، تشکیل دادند و در لندن به ثبت رساندند. دولت مشیرالدوله که در آن هنگام مصدر کار بود، بلافاصله به این عمل اعتراض کرد و طی یادداشتی به سفارت انگلیس، متذکر شد که امتیاز خوشتاریا گذشته از اینکه با فشار و جبر تحصیل شده چون به تصویب مجلس نرسیده، خالی از اعتبار است و دولت ایران هر اقدامی را که بر مبنای آن صورت بگیرد بیجا و بی ارزش می‌شناسد. متعاقب این اعتراض، دولت آمریکا از دولت ایران درباره چگونگی امتیاز خوشتاریا استفسار کرد. جواب ایران وسیله حسین علاء وزیرمختار ایران در واشنگتن، طی اعلامیه‌ای بدین مضمون، در مطبوعات آمریکائی انتشار یافت که: شرکت نفت ایران و انگلیس کوشش می‌کند به استناد یک امتیاز لغو شده،



## از نگاه دیگران



### اسماعیل پوروالی : نفت شمال

علاوه بر نفت جنوب، امتیاز نفت پنج ایالت شمالی ایران را نیز بدست آورد. ولی دولت ایران ترجیح می‌دهد امتیاز مزبور را به اتباع آمریکائی واگذارد. دولت آمریکا از این عکس العمل دولت ایران بسرعت استقبال کرد و علاوه بر نامه‌ای که در ماه اوت ۱۹۲۰، وزارت خارجه آمریکا به سفارت ایران در واشنگتن نوشت و اطلاع داد که کمپانی‌های نفتی آمریکا علاقمندند امتیاز نفت ایالات شمالی ایران را تحصیل کنند، به وزیرمختار خود در تهران نیز دستور داد که مراتب زیر را به وزارت خارجه ایران اطلاع بدهد:

۱- شرکت‌های آمریکائی درصدد برخواهند آمد که امتیاز استخراج نفت ایالات شمالی ایران را تحصیل کنند و وزارت خارجه آمریکا امیدوار است که در این باب توفیق حاصل نمایند.

۲- وزارت خارجه آمریکا خوشوقت است که دولت ایران متوجه این نکته شده است که یک منبع مهم اقتصادی آن نباید به انحصار یک شرکت واحد خارجی دربیاید.

۳- وزارت خارجه آمریکا معتقد است که انحصار تولید ماده خام مهمی مانند نفت توسط یک مؤسسه خارجی، مخالف با اصل رفتار مساوی با اتباع تمام کشورهای خارجی می‌باشد.

۴- وزارت خارجه آمریکا به دولت ایران توصیه می‌کند که از لحاظ منافع ایران و از لحاظ روابط اقتصادی بین‌المللی، مصلحت در این است که اعطای امتیاز نفت متوقف گردد تا اینکه شرکت‌های آمریکائی فرصت این را داشته باشند که درباره آن با دولت ایران وارد مذاکره بشوند.

در طی ملاقاتی که در تعقیب این نامه، وزیرمختار آمریکا از وزیرخارجه وقت ایران بعمل آورد، وزیر خارجه ایران یک بار دیگر تکرار کرد که امتیاز خوشناریا بی اعتبار است و درباره امتیاز نفت به شرکت‌های آمریکائی نیز فعلا " نمی‌تواند اظهارنظری بکند زیرا مجلس شورای ملی تعطیل است و در غیاب مجلس نمی‌توان هیچ تصمیمی اتخاذ کرد.

در ماه نوامبر ۱۹۲۰ شرکت نفت ایران و انگلیس نماینده‌ای به تهران فرستاد که با دولت ایران مذاکره کند و ضمن تشویق دولت به اینکه امتیاز خوشناریا را تأیید نماید، از دولت ایران بخواهد که علاوه بر آن، امتیاز نفت ایالات خراسان و آذربایجان را نیز به شرکت نفت ایران و انگلیس بدهد. حضور این نماینده در تهران، موجب اعتراض دولت آمریکا شد و یک بار دیگر وزیرمختار آمریکا به دولت ایران یادآور شد که کمپانی‌های نفتی آمریکائی نیز به نفت شمال ایران علاقمندند و امیدوارند که دولت ایران بدون حضور نمایندگان آنها، تصمیمی درباره نفت شمال نگیرد. جواب دولت ایران به دولت آمریکا، وسیله وزیرمختارش، این بود که احتیاج دولت ایران به کمک‌های مالی انگلستان، محظوراتی برای دولت ایران فراهم آورده است و اگر دولت آمریکا وامی به مبلغ ده میلیون دلار به دولت ایران بدهد، این وام راه را برای اعطای امتیاز نفت و همچنین امتیاز استخراج سایر معادن، به شرکت‌های آمریکائی، صاف و هموار خواهد ساخت.

دولت ایران که فکر می‌کرد آمریکا با گشاده دستی به این تقاضای مالی



## از نگاه دیگران



### اسماعیل پوروالی : نفت شمال

ایران جواب مثبت خواهد داد، در عمل، تیرش به سنگ خورد و این بی اعتنائی آمریکا موجب شد که شرکت نفت درصدد بریباید از راه فشار مالی، ایران را وادار به قبول خواست‌های خود بکند و به این جهت رئیس هیئت مدیره شرکت به کمیسر نفت ایران در لندن اطلاع داد که چون قضیه نفت شمال معوق مانده است، شرکت نخواهد توانست حق الامتیاز دولت را بابت امتیاز داری بپردازد... در خلال این احوال، کودتای ۱۲۹۹ پیش آمد و وقتی سید ضیاءالدین، پس از نود و سه روز زمامداری، از صحنه سیاست ایران کنار کشید و راهی خارج شد و در خرداد ۱۳۰۰ شمسی قوام السلطنه برای اولین بار تشکیل کابینه داد، یکی از اقدامات برجسته‌اش این بود که با دولت آمریکا تماس برقرار کرد و اعلام داشت که آماده است برای اعطای امتیاز نفت شمال ایران به یک شرکت آمریکائی، مذاکرات لازم را آغاز کند. و حاصل این تماس‌ها این شد که در جلسه ۳۰ آبان آنسال، مجلس شورا اجازه واگذاری امتیاز استخراج نفت ایالات آذربایجان و خراسان و گیلان و استرآباد و مازندران را به کمپانی "استاندارد اویل" آمریکائی تصویب کرد و دو سفارت شوروی و انگلیس که سخت از این امر ناراضی بودند، یادداشت‌های اعتراض آمیزی تسلیم دولت قوام کردند. هر دو اعتراض مبتنی بر ماجرای خوشتاریا بود... دولت شوروی می‌گفت: بموجب فصل ۱۳ عهدنامه ایران و شوروی، مورخ فوریه ۱۹۲۱، دولت ایران متعهد گردیده است امتیازاتی را که در رژیم تزاری به اتباع روسیه واگذار شده و دولت شوروی آن را به ایران مسترد داشته، به تصرف و اختیار و استفاده هیچ دولت ثالث و یا اتباع دولت ثالثی واگذار ننماید. حرف سفارت انگلیس نیز این بود که چون خوشتاریا امتیاز خود را به شرکت نفت ایران و انگلیس فروخته، بنابراین دولت ایران حق ندارد آن را به یک کمپانی آمریکائی واگذار کند.

دولت قوام به دولت شوروی جواب داد که نوشته‌های که در دست خوشتاریا بوده مربوط به عهدنامه‌های دولت‌های ایران و روس نیست، زیرا این نوشته مدارج قانونی خود را هرگز طی نکرده و به تصویب مجلس نرسیده و قانوناً باطل و از درجه اعتبار ساقط بوده است. در جواب سفارت انگلیس نیز، دولت قوام نوشت که ما بموقع، لغو این امتیاز را به اطلاع سفارت انگلیس رسانیده‌ایم و سفارت انگلیس، کتباً از این بابت ابراز رضایت کرده است. با این همه انگلیسی‌ها دست بردار نبودند و درحالیکه "سر چارلز گرینوی Sir Charles Greenway" رئیس هیئت مدیره شرکت نفت، ضمن نطقی که در دوازدهمین مجمع عمومی صاحبان سهام ایراد می‌کرد، بر روی این نکته تکیه داشت که: "وثوق الدوله نخست وزیر سابق ایران که خود یکی از امضاءکنندگان امتیاز خوشتاریا می‌باشد، اکنون در لندن است و حاضر است گواهی بدهد که امتیاز خوشتاریا قانونی بوده و در وضع عادی اعطا شده است" و چنین می‌نمود که شرکت نفت نمی‌خواهد به این آسانی‌ها دست از این ادعای پوچ بکشد، درصدد برآمد که با آمریکائی‌ها نیز بترتیبی کنار بیاید و به این جهت "لرد کدمن" مستشار فنی شرکت، به آمریکا رفت و شرکت استاندارد اویل را راضی کرد که در کار نفت شمال ایران، شرکت نفت



## از نگاه دیگران



### اسماعیل پوروالی : نفت شمال

xalvat.com

جنوب را نیز شریک خود بشناسد .  
همینکه قضیه مشارکت دو شرکت علنی شد ، سفیر ایران در واشنگتن یادداشتی تسلیم وزارت خارجه آمریکا کرد مبنی بر اینکه دولت ایران به هیچوجه راضی نخواهد شد که شرکت نفت ایران و انگلیس ، در امتیاز نفت شمال دخالتی نماید . در جوابی که کاردار سفارت آمریکا در تهران ، به این یادداشت داد خاطرنشان شده بود که این مشارکت مانع از این نیست که شرکت استاندارد اوپل مسئول اداره کردن شرکت نفت ایران و آمریکا باقی بماند و اکثریت آراء هیئت مدیره را در اختیار داشته باشد . ولی دولت ایران نه تنها این توضیح را قانع کننده ندانست و درصدد مقابله برآمد بلکه مذاکراتی را هم که در همان اوقات با بانک مورگان ، برای تحصیل قرضه‌ای ، داشت متوقف کرد و در تاریخ ۲۵ خرداد ۱۳۰۱ ، مجلس شورا ماده اول و پنجم قانون اجازه امتیاز معادن نفت شمال را به طریق زیر اصلاح نمود :  
ماده اول - مجلس شورای ملی واگذارن امتیاز استخراج نفت را در ایالات آذربایجان ، خراسان ، گیلان ، استرآباد و مازندران ، به کمپانی استاندارد اوپل یا کمپانی معتبر و مستقل آمریکائی دیگری ، به شرایط زیر تصویب می نماید .

ماده پنجم - کمپانی استاندارد اوپل یا هر یک از کمپانی های آمریکائی که مورد قبول واقع شود ، نمی تواند به هیچوجه این امتیاز را به هیچ دولت یا کمپانی یا شخص دیگری انتقال دهد و همچنین شراکت با سرمایه داران دیگر منوط به تصویب مجلس شورای ملی ایران است .  
در ماه اوت ۱۹۲۲ ( مرداد ۱۳۰۱ ) نماینده شرکت نفت سینکлер به تهران وارد شد و شرایط زیر را برای تحصیل امتیاز نفت شمال ، به دولت تقدیم کرد :

- ۱- مدت امتیاز بین چهل تا پنجاه سال باشد .
- ۲- اراضی بایر دولتی که مورد احتیاج امتیاز گیرنده است ، مجاناً واگذار شود و اراضی دایر دولتی و خصوصی به قیمت عادلانه خریداری گردد .
- ۳- کلیه اثاثیه و ملزومات ، برای عملیات امتیاز ، از کلیه حقوق گمرکی و عوارض معاف باشد .
- ۴- امتیاز گیرنده ، شرکت یا شرکتهائی برای استخراج نفت تشکیل خواهد داد و تعهد می کند که کلیه سهام شرکتهای مزبور منحصرآ در دست ایرانیان و آمریکائیان باشد و نیز تعهد می کند که سهام مزبور را به هیچ دولت یا شرکت خارجی انتقال ندهد و در صورت تخلف ، امتیاز ملغی باشد .
- ۵- سایر شرایط امتیاز ، طبق قانون مربوط به شرکت نفت استاندارد اوپل با توافق طرفین تنظیم گردد .

ماجرای سینکлер ، چه در داخل ایران و چه در خارج ، سروصدای بسیاری ایجاد کرد که بدون تردید نقش اساسی را در آن هنگامه ، شرکتهای نفتی بازی می کردند و در آنچه کرده و گفته و نوشته می شد ، آنها مستقیم یا غیر مستقیم دست داشتند . در ۲۳ خرداد ۱۳۰۲ مجلس شورا قانونی تصویب کرد که حاوی شرایط اساسی برای اعطای امتیاز نفت شمال به یک شرکت معتبر



## از نگاه دیگران



### اسماعیل پوروالی : نفت شمال

مستقل آمریکائی بود. به موجب ماده چهارم این قانون، اعطای امتیاز مقید به این بود که صاحب امتیاز لااقل ده میلیون دلار بوسیله بانکهای معروف آمریکائی به دولت ایران قرض بدهد و حوزه امتیاز هم محدود به خراسان و آذربایجان و دو ایالت از سه ایالت شمالی، واقع در جنوب بحر خزر (گیلان، مازندران و استرآباد) گردیده بود. ضمناً "ماده چهارم قانون صراحت داشت که امتیاز نباید به هیچ دولت یا شرکت خارجی، به هیچ قسم و ترتیبی، منتقل شود و باید منحصر" در دست آمریکائیها باشد. قانون مزبور به دولت اجازه می داد، طبق شرایط مندرج در آن قانون، امتیاز نفت را به یک شرکت مستقل آمریکائی داده و پس از ختم مذاکرات، قرارداد آن را برای تصویب تقدیم مجلس کند و بدون تصویب مجلس، این قرارداد، گویانکه به امضای دولت هم رسیده باشد، معتبر نخواهد بود.

به استناد این قانون، در آذر ماه ۱۳۰۲ دولت سردار سپه امتیاز استخراج نفت و گاز پنج ایالت شمالی، به استثنای گیلان، را به شرکت آمریکائی سینکسر داد و در فروردین ۱۳۰۳ لایحه امتیاز را برای تصویب به مجلس شورا فرستاد. این لایحه تحت مطالعه کمیسیونهای مجلس بود که در تیرماه آنسال واقعه معجزه سقاخانه آشیخ هادی، که کور را بینا می کند و شل را پادار و کر را شنوا، علم شد و رواج این شایعه که یک بهائی می خواسته سم در آب آن بریزد و جایجا کور شده و به این دستاویز، تظاهراتی به اصطلاح مذهبی از همه محلات تهران شروع شد که هدف واقعی آن تضعیف سردار سپه بود که در اوایل آنسال می خواست رژیم ایران را تبدیل به جمهوری کند و وقتی بر اثر مخالفت پاره ای از معاندین، از جمله ملاها، این نقشه نگرفت، اینک در فکر سلطنت بود. در آن هنگامه، مازور ایلمیری کنسول آمریکا که سرگرم گرفتن عکس از این تظاهرات بود، مورد حمله مردم متعصبی که حضور هیچ کافری را در دور و بر سقاخانه جایز نمی شناختند، قرار گرفت و کشته شد. و با اینکه بلافاصله حکومت نظامی در شهر برقرار گردید و در جلسه علنی مجلس وزیر خارجه و رئیس مجلس و جمعی از نمایندگان از این پیشامد بشدت ابراز تاءسف کردند و دولت محرکین را دستگیر کرد و سه نفر را اعدام نمود و شصت هزار دلار به ورثه ایلمیری داد و ده هزار دلار خرج کشتی کرد که جنازه ایلمیری را به آمریکا ببرد و سه هزار دلار غرامت نیز به مستر "سیمور" آمریکائی که در این ماجرا همراه ایلمیری بود پرداخت... ولی، این امر بهانه ای شد که سینکسر از اخذ امتیاز نفت شمال انصراف حاصل کند، و با اینکه دولت ایران حاضر شده بود قرضه ده میلیون دلار را هم از شرایط امتیاز لغو کند، دیگر تن به قبول این کار پر دردسر ندهد. زیرا دولت شوروی که در آغاز حاضر شده بود نفت شمال ایران وسیله لوله از راه قفقاز و دریای سیاه به خارج از ایران انتقال پیدا کند، این موافقت خود را پس گرفته بود و چون مطابق امتیاز داری، حق انحصاری ایجاد لوله نفت به خلیج فارس تنها در دست شرکت نفت جنوب بود، این کمپانی چاره ای نداشت جز اینکه نظیر "استاندارد اوایل" برای صدور نفت، با شرکت نفت جنوب کنار بیاید. امری که نه دولت و نه مجلس ایران، یک چنین مشارکتی را تجویز می کردند.





## از نگاه دیگران



### اسماعیل پوروالی : نفت شمال

در سال ۱۳۱۵ (ژانویه ۱۹۳۷) رضاشاه یکبار دیگر درصدد برآمد پای آمریکائی‌ها را به شمال ایران باز کند. امتیاز داری حق اکتشاف و استخراج نفت را در تمام ایران، به استثنای پنج ایالت شمالی (خراسان، آذربایجان، گیلان، مازندران، استرآباد) در بر می‌گرفت. وقتی رضاشاه در ششم آذر ۱۳۱۱ (۲۷ نوامبر ۱۹۳۲) امتیاز داری را لغو کرد و سال بعد، قرارداد ۱۹۳۳ را با شرکت نفت جنوب منعقد نمود، چون در این قرارداد حوزه امتیازیه محدود به یکصد هزار میل مربع گردیده و حق انحصاری کشیدن لوله نیز لغو شده بود، دست دولت برای اعطای امتیازهای تازه در سایر نقاط بازتر از گذشته بنظر می‌رسید. اینبار برطبق قانونی که از مجلس گذشت، دولت حق انحصار استخراج نفت را در قسمتی از شرق و شمال شرقی ایران، برای مدت شصت سال، به شرکت نفت آمریکا و ایران (امیرانین) که وابسته به شرکت نفت سی‌بورده Seaboard Oil Company بود، واگذار می‌کرد. این شرکت که در افغانستان نیز امتیازی تحصیل کرده بود، اجازه داشت نفت هر دو کشور را بوسیله لوله، در خارج از حیطه امتیاز شرکت نفت جنوب، به لب دریا برساند. با این همه، این کار نیز سرانجامی نیافت و شرکت امیرانین، بعد از دو سال کاوش، به دولت ایران اطلاع داد که از ادامه عملیات صرفنظر کرده است.

در بین جنگ جهانی اول و جنگ جهانی دوم، علاوه بر آنچه که گذشت، شوروی‌ها با یک سلسله تشبثاتی که شرح آن از حوصله این نوشتار خارج است، برای خود جای پائی در شرکت سهامی نفت کویر خوریان (سمنان) نیز دست و پا کرده بودند که گرچه اسم و رسم آن تا سال ۱۳۲۹ که نفت ایران در سرتاسر کشور ملی شد همچنان باقی مانده بود، اما عملاً تفحصات و تجسسات این شرکت برای دست یافتن به نفت، به جایی نرسیده بود...

در بحبوحه جنگ جهانی دوم، در اوایل سال ۱۹۴۴ (۱۳۲۳) که سر و کله نمایندگان چند شرکت آمریکائی برای گرفتن امتیاز استخراج نفت در مناطق جنوب شرقی و شمال ایران، در تهران پیدا شده بود، رضا رادمنش عضو فراکسیون توده در این زمینه سئوالی از نخست‌وزیر وقت (ساعده) کرد که او نیز در جواب خود، حضور آنها را تأیید نمود و گفت: "اقداماتی که تاکنون بعمل آمده جنبه مطالعاتی داشته و قبل از اتخاذ هرگونه تصمیم، دولت نظر نمایندگان محترم مجلس شورای ملی را جلب خواهد نمود تا آنچه موافق با مصالح و منافع کشور باشد، به مرحله اجرا دربیاید."

هنوز یک ماه از این سئوال و جواب نگذشته بود که در ۱۵ شهریور ماه ۱۳۲۳ مجید آهی سفیر ایران در مسکو، به تهران خبر داد که هیئتی برای مذاکره درباره نفت خوریان به تهران خواهد آمد. و در ۲۴ شهریور این هیئت به ریاست کافتارادزه معاون وزارت خارجه شوروی وارد تهران شد و پس از مسافرتی به سمنان و سایر مناطق شمالی، رئیس هیئت در یک مصاحبه مطبوعاتی اعلام کرد که من با اجازه دولت خود می‌خواهم پیشنهادی به دولت ایران بدهم و بخواهم که امتیاز کشف و استخراج نفت شمال ایران را



## از نگاه دیگران



### اسماعیل پوروالی : نفت شمال

به دولت شوروی واگذار کند. در تاریخ ۲۷ مهرماه، ساعد به مجلس اطلاع داد که دولت او، قبل از ورود کافتارادزه، در تاریخ یازدهم شهریور ماه، تصمیم گرفته است که تا وضع اقتصادی و مالی دنیا روشن نشده و صلح عمومی استقرار نیافته است، دولت ایران از مطالعه هرگونه پیشنهاد امتیاز به بیگانگان خودداری نشان بدهد. بنابراین ما امیدواریم که هر نوع مذاکره‌ای در این زمینه را، علاقمندان برای بعد از جنگ بگذارند.

عکس العمل کافتارادزه در سوم آبان ماه در یک مصاحبه مطبوعاتی به این صورت منعکس شد که: "دولت ایران بوسیله اتخاذ چنین رویه‌ای، در راه تیرگی مناسبات بین دو کشور فرار گرفته است." در تاریخ هفتم آبان، ساعد در یک مصاحبه مطبوعاتی گفت: عنوان آمدن هیئت شوروی به ایران مذاکره درباره نفت خوریان بود، نه نفت شمال و وقتی معلوم شد که موضوع نفت شمال مورد علاقه شوروی است، اطلاع دادیم که هیئت دولت تصمیم گرفته است تا پایان جنگ هیچ امتیازی به هیچ کشوری ندهد. علت تصمیم دولت این است که اولاً در این موقع که نیروی سه دولت متفق در ایران هست، هر امتیازی با هر شرطی که داده شود افکار عامه اینطور تلقی خواهد کرد که شاید دولت آزادی نظر و آزادی تصمیم در دادن امتیاز نداشته است. ثانیاً در حال حاضر وضع اقتصادی دنیا روشن نیست و بعد از جنگ، البته بهتر می‌توان تشخیص داد که به چه ترتیب و با چه شرایطی امتیاز بدهیم. ثالثاً مذاکراتی که در کنفرانس نفت، در واشنگتن، بعمل آمده موضوع را در بلاتکلیفی و ابهام قرار داده است. رابعاً تمام گزارش‌هایی که از نمایندگان دولت در خارج، رسیده تأکید می‌کند که تا پایان جنگ هیچ امتیازی داده نشود.

درحالی‌که بر سر امتناع دولت از واگذاری نفت شمال به شوروی، له و علیه آن، جنجال و غوغائی در محافل اجتماعی ایران برپا شده بود، دکتر مصدق در جلسه یازدهم آذر ماه ۱۳۲۳ طرحی به قید دو فوریت به تصویب مجلس رساند که ماده اول آن می‌گفت: هیچ نخست وزیر و وزیر و کفیل وزارتخانه و معاونی نمی‌تواند در باب امتیاز نفت با هیچیک از نمایندگان رسمی و غیررسمی دول مجاور و غیرمجاور و یا نمایندگان شرکت‌های نفتی و هر کسی غیر از این، مذاکراتی که اثر قانونی دارد بکند. در ماده دوم آن گفته شده بود: نخست وزیران و وزیران می‌توانند برای فروش نفت و طریزی که دولت ایران معادن نفت خود را استخراج و اداره می‌کند، مذاکره نمایند و از جریان مذاکرات، باید مجلس شورای ملی را مستحضر نمایند. و بالاخره در مواد سوم و چهارم، مجازات‌های سنگینی برای متخلفین منظور شده بود.

عواقب ناشی از این تصمیم دولت و مجلس ایران، که حاضر به واگذاری نفت شمال به شوروی نشد، سال بعد محرک امتناع شوروی از تخلیه بموقع نیروهایش از شمال ایران و نیز مسبب ممانعت از اعزام قشون ایران به مناطق شمالی کشور، و بالاخره مشوق مسئله سازی از پیشامدهای آذربایجان و کردستان، برای فشار هر چه بیشتر به دولت ایران، گردید تا دولت شوروی بتواند دولت ایران را ملاً "درباره واگذاری نفت شمال و ادار به تسلیم کند



## از نگاه دیگران



### اسماعیل پوروالی : نفت شمال

و موافقت‌نامه‌ای که در یازدهم فروردین ۱۳۲۵ مطابق با چهارم آوریل ۱۹۴۶ به امضای قوام‌السلطنه نخست وزیر و سادچیکوف سفیر کبیر شوروی در تهران رسید، در واقع یک نوع داد و ستد بود که شوروی در مقابل تخلیه نیروهای خود از ایران و موافقت با حل و فصل مسألت آمیز مسئله آذربایجان، از دولت ایران قول می‌گرفت که قرارداد ایجاد شرکت مختلط نفت ایران و شوروی و شرایط آن را از تاریخ ۲۴ مارس تا انقضای هفت ماه برای تصویب به مجلس یازدهم پیشنهاد کند و وقتی قوام، نوزده ماه بعد، طرح پیشنهادی شوروی را بدون اینکه امضاء کند به مجلس یازدهم فرستاد، مجلس یازدهم گذشته از اینکه موافقت‌نامه قوام و سادچیکوف را کان لم یکن شناخت و اعلام کرد که استنباط قوام از قانون دکتر مصدق با مدلول و مفهوم واقعی این قانون مطابقت نداشته است، به دولت اجازه داد که پس از اطمینان کامل از وجود نفت در مناطق شمالی ایران، در باب فروش محصولات نفتی به اتحاد جماهیر شوروی، با آن دولت وارد مذاکره بشود و نتیجه را به اطلاع مجلس شورا برساند ...

با یک چنین سابقه‌ای، حضور آقازاده وزیر نفت جمهوری اسلامی در مسکو و پیشنهاد استخراج نفت و گاز در آب‌های جنوبی دریای خزر، برای مخاطبان او بیشتر جنبه "جانا سخن از زیان ما می‌گوئی" داشته است و بر فرض که پیش رو به روی خود نیاورده باشند که چقدر از اینکه پس از هفتاد سال تلاش، بالاخره می‌بینند که صید با پای خود به دام صیاد افتاده است، خوشحالند ولی پشت سر، بدون شک، از خوشحالی روی پا بند نبوده‌اند و سر از پا نمی‌شناخته‌اند. ما البته نمی‌دانیم که این تفاهم "یادداشتی" که بین جمهوری اسلامی و شوروی حاصل شده از چه قرار بوده است و چقدر این "یادداشت تفاهمی" با قانون ملی شدن نفت که همچنان اعتبار آن پابرجاست، مطابقت نشان می‌داده است، اما این را می‌دانیم که جمهوری اسلامی با ندیده گرفتن اصول قانون اساسی خود، که مدعی است آن را به تصویب ملت رسانده و خمینی نیز بر آن صحنه نهاده است، عملاً "مشروعیت خود را، به اصطلاح خود حضرات، به زیر سؤال برده است. زیرا اصل هفتاد و یکم این قانون اساسی می‌گوید: "دادن امتیاز تشکیل شرکت‌ها و موسسات در امور تجارتي و صنعتی و کشاورزی و معادن و خدمات، به خارجیان مطلقاً" ممنوع است. "اصل هفتاد و دوم می‌گوید: "استخدام کارشناسان خارجی از طرف دولت ممنوع است مگر در موارد ضرورت، با تصویب مجلس شورای ملی." اصل هفتاد و هفتم می‌گوید: "عهدنامه‌ها، مقاوله‌نامه‌ها، قراردادها و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی باید به تصویب مجلس شورای ملی برسد." علیهذا، این "یادداشت تفاهمی" که آقازاده در مسکو برای استخراج نفت و گاز از آب‌های جنوبی بحر خزر، امضاء کرده و به شوروی‌ها داده است و لابد متعاقب آن نیز گفتگوهائی صورت گرفته و اقداماتی بعمل آمده، برطبق این اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی، اگر این جریانات موافقت با امتیاز باشد، به هر صورتی از صور ممنوع است و اگر موافقت با استخدام باشد، احتیاج به مجوز قانونی دارد و در هر حال چون اعتبار هر مقاوله‌نامه و موافقت‌نامه‌ای منوط به



## از نگاه دیگران



### اسماعیل پوروالی : نفت شمال

تصویب مجلس است، دولت بایستی مجلس را در جریان مذاکرات خود و یادداشت‌های رد و بدل شده بگذارد و وقتی یک کلمه از این مقوله، برخلاف سابقه هفتاد ساله کار، در مجلس منعکس نمی‌شود این سوءظن پیش می‌آید که زیر این کاسه باید احتمالاً "نیم‌کاسه‌ای باشد که رژیم از فاش شدن آن وحشت دارد..."

اصل هفتم قانون اساسی جمهوری اسلامی می‌گوید: "طبق دستور قرآن کریم، و امرهم شوری بینهم" و "شاورهم فی الامر" شوراها، مجلس شورای ملی، شورای استان، شهرستان، شهر، محل، بخش، روستا و نظایر اینها از ارکان تصمیم‌گیری و اداره امور کشورند" ولی هم‌اکنون در عمل، مجلس شورا که در جمهوری اسلامی بایستی مهم‌ترین مرکز تصمیم‌گیری و اداره امور کشور باشد، بصورت چرخ پنجم درآمده است که بود و نبودش علی‌السویه است و هیچ نقشی در تصمیم‌گیری‌های مملکت ندارد. یک نمونه آشکار دیگرش در همین روزها، درمورد هشت وکیل‌ی بروز و ظهور کرد که از وزیر خارجه خواسته بودند به مجلس بیایند و درباره روابط پنهانی ایران و آمریکا که جنجال آن عالمگیر شده، توضیحاتی بدهد. مطابق اصل هفتاد و چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی: "هر نماینده‌ای در برابر تمام ملت مسئول است و حق دارد در همه مسائل داخلی و خارجی کشور اظهارنظر نماید." مطابق اصل هفتاد و هشتم: "در هر مورد که نماینده‌ای از وزیر مسئول، در باره یکی از وظایف او سؤال کند، آن وزیر موظف است در مجلس حاضر شود و به سؤال جواب بدهد و این جواب نباید بیش از ده روز به تأخیر بیافتد مگر با عذر موجه، به تشخیص مجلس شورای ملی." با اینکه در این امر هیچ کار خلافی صورت نگرفته بود، اما خمینی که می‌ترسید این گفت و شنودها پتّه رژیم را روی آب بیاندازد و این کنجکاو‌ها مشت بسته رژیم را که مدعی است این آمریکائی‌ها بوده‌اند که بسراغ ما آمده‌اند و ما دست رد بر سینه‌اشان گذاشته‌ایم، باز کند و نشان بدهد که قضیه به این سادگی‌ها نیست و اگر کشتی از جانب خمینی و محارمش برای ایجاد ارتباط با آمریکا ابراز نشده بود، کوششی از طرف ریگان و دور و بری‌هایش برای استقبال از این امر بعمل نمی‌آمد، یک مرتبه از جا در رفت و فریاد برآورد که این فضولی‌ها به وکلای مجلس نیامده، و اکثریت وکلای مجلس نیز با نامهای که برایش فرستادند، تأیید کردند که بلی این فضولی‌ها به ما نیامده است!

بدیهی است، یک چنین رژیمی که خودش اینطور علنی و آشکارا مشروعیت قانونی خود را زیر پا می‌گذارد و جار می‌زند که من به هیچ اصل و اساسی پایبند نیستم، معاملات آن اگر مغایر با مصالح و منافع ملی باشد، فردا ندارد و همان دردسرها و ناکامی‌هایی را به دنبال خواهد داشت که بسیاری از موافقت‌نامه‌ها و قراردادهای این شصت هفتاد سال اخیر، درباره نفت شمال به دنبال داشته است. مگر اینکه فکر کنیم گورباچف هم همان انتظاری را می‌کشد که زمانی خروشچف می‌کشید که: ایران مثل یک میوه لهیده بر درخت، خودش فرومی‌افتد... و شوروی بایستی پای درخت، فقط دامش را باز کند و آن را بموقع بیاورد.

سردبیر